

مهم دل است



علی‌رغم همه حاشیه‌سازی‌های بدخواهان که نمی‌خواهم اسم‌شان را بیاورم اولین مناظره انتخاباتی ایالات متحده آمریکا برگزار شد و مردم آمریکا تخمه‌شکشان با قلب آرام و دلی مملو از آرامش به تماشای آن نشستند.

دو نامزد دموکرات و جمهوری‌خواه آمریکا با آرامش و بدون درگیری و حتی اینکه صدای خود را بالا ببرند به مذاکره پرداختند و با جمله‌های «فدات بشم نویته» به سوال‌های مجری پاسخ دادند.

اما در این میان تعدادی از بدخواهان کشور دوست و برادر آمریکای عزیز با سانسور، فتوشاپ و زیرنویس اشتباه‌ها سعی در تحریف این مناظره داشتند که در اینجا به اختصار به برخی از این موارد می‌پردازیم:

اولی

اعتراض بایدن به مصونیت مطلق ترامپ در برابر تعقیب کیفری البته که کذب است و اگر هم درست باشد، اینکه نامزد رئیس جمهوری یک کشور پرونده کیفری در دادگاه داشته باشد و با خیال راحت بیاید و کاندیدا شود یعنی اوج آزادی، کدام کشور را سراغ دارید که تا این اندازه به متهمین و جنایتکارها بها دهد.

دومی

بایدن به علت کهنوت سن در مناظره دچار مشکل شده است. این نیز کذب است، کدام پیرمرد ۸۲ ساله‌ای را دیدید که شلوار جین بپوشد، خیلی هنر کند پیژامه راه راه بپوشد تا اذیت نشود و این نشان‌دهنده این است که بایدن ذهن جوانی دارد و گرته سن عددی بیش نیست.

سومی

گفتن بعضی از مسائل مثبت هجده در مناظره. اگر مطلبی هم گفته شده این نیز نشان‌دهنده آزادی بیان در این کشور است، اینها که در مناظرات‌شان از این قبیل صحبت‌ها می‌شود، پس باید متوجه باشید که صدا و سیما فیلم‌های سینمایی آمریکایی را با چقدر سانسور به خورد ما می‌دهد.

#نه_به_سانسور

عروسی همه هنره



دیدم که گلی در بر و معشوق به کام است
گفتم که بگیرم بله را کار تمام است
رفتیم به همراه پدر خواستگاری
مانند همان رسم که در عرف عوام است
دیدم پدرش را که غضبناک نشست
انگار که سرهنگ بداخلاق نظام است
با دیدن آن مرد غضبناک شدم لال
پرسید ز اسمم، پدرم گفت غلام است
گفتند بگوید ز شغلش پدرم گفت
از صنعت مس منتظر زنگ و پیام است
بالقوه کنون صاحب یک باب مغازه است
بالفعل برایش پسرمد در بی وام است
پارانه خود دارد و سهمی ز عدالت
این گل که خریده است هم از سود سهام است
پرسید ز خیمه پدرم گفت چه گویم
چیزی که عیان است غلام اند مرام است
گفتم به آنها هنر دخترتان چیست؟
گفتند که در هر هنری صاحب نام است
کافیست که یک وعده بمانید و ببینید
استاد تمام هنر طبخ طعام است

انتخاب با شماست!



مناظرات انتخاباتی ملوکانه

مردم در آن دنیا: سلام. همون طور که مستحضردید، امروز قراره پادشاهی رو برای بخش ایرانیان مقیم برزخ انتخاب کنیم. بر همین اساس در خدمت شما مردم عزیز هستیم با مناظرات انتخاباتی پادشاهان قاجار. پادشاهان پهلوی هم برای این مناظره دعوت شده بودند که پدر و پسر فرار کرده بودند و متأسفانه نتوانستیم ازشون استفاده کنیم. امیدوارم بتوانید پادشاه خوبی رو انتخاب کنید.

طبق قرعه‌کشی با ناصرالدین شاه شروع می‌کنیم. جناب پادشاه شما چهار دقیقه وقت دارید!

ناصرالدین شاه: پدر سوخته. چرا به مردم سلام کردی؟ اول باید به شاهنشاه سلام کنی! این

جناب اعصابم خرد شده و برای جلای خاطر به سرسره بازی می‌رویم (میکروفن را پرتاب کرده و از استودیو بیرون می‌رود. صدای فریاد ناصرالدین شاه می‌آید که می‌گوید: یکی گردن این پدرسوخته را بزن تا ما برمی‌گردیم!)

مجری: ببخشید جناب شاه (دو نفر مجری را به بیرون می‌برند)

مجری دوم: خب با عرض پوزش از پادشاهان گرامی، شاهنشاه لطفاً بنده حقیر را ببخشاید. طبق قرعه سراغ آغامحمدخان می‌رویم. لطف کنید برنامه خودتون رو با مردم در میون بگذارید!

آغامحمدخان: ما برنامه خاصی نداریم. باید روی کرسی شاهی بنشینیم تا مشکلات را پیدا کنیم. مشکلات که پیدا شد نظر خواهیم کرد که چه کسی این مشکلات را دیده، فی‌الغور چشمانش را از حلقه بیرون خواهیم آورد و مشکل مرتفع خواهد شد!

مجری دوم: جسارت شاهنشاه در مورد حل خود مشکل هم برنامه‌های دارند؟ یا فقط صدای مشکلات را...

وقتی حرف مجری دوم به اینجا رسید آغامحمدخان آرام نزدیک مجری دوم شده و در همینجا صدای او را با فشار دادن انگشت شصت به روی چشمان مجری خاموش کرد.

دو نفر هم آمدند که مجری را مثل لطفعلی خان زند در ملأ عام ادب کنند.

مجری سوم با ترس گلویش را صاف می‌کند و می‌گوید: شاهنشاه جان مجری را ببخشایند

بر ما، حضرت سلطان فتحعلیشاه اگر صلاح می‌دانند اشاره کنند که چرا باید ایشان را به شاهی برگزینیم؟
خواجه دربار که نزدیک جایگاه فتحعلیشاه ایستاده بود بدو بدو رفت و سریع برگشت و گفت: جناب سلطان از حرمسرا سلام ملوکانه رساندند و فرمودند به شما بگویم: ما چون فرزند شاه بودیم باید شاه شویم.

به عقب برگردیم



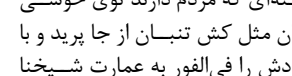
پارداش کری

آن مبدع‌و وعده‌های‌صدروزه
بیار گرمابه داش کری شیخنا
پرزیدنت اونوری! دامت
اضافاته!

آوردند که پس از سال‌ها حکومت بر مردمی همیشه پایه و صورت یکی از نوچه‌های همان حکام زیر دوش حمام ناگهان جریان خوش لحظه‌ای بند آمد و در آن خلسه جرقه‌ای به ذهنش زد که چه نشسته‌ای که مردم دارند توی خوشی وول می‌خورند. ناگهان مثل کش تیبان از جا پرید و با هیبت پیژامه راه‌راه، خودش را فی‌القور به عمارت شیخنا رساند که تو را به ریش خاکستری‌ات سوگند بیا و نامزد شو تا کشور را از جنگ‌مان در نیارند.

شیخنا هاج و واج فرمود: من جز رنگ‌آمیزی محاسنم چیز دیگری نمی‌دانم که نوچه پابرهنه پرید و گفت: شکسته نفسی نفرمایید ضمناً مگر ما مرده‌ایم، هم برایت برنامه نوشتیم هم وزارت را انتخاب کردیم

بدین ترتیب شیخنا برس را در کاسه رنگ رها کرد و به وزارت کشور برای ثبت‌نام شتافت، با وعده آزاد کردن دکلته برای بانوان و ضعیف‌کشی رقیب و کشیدن دیوار،



تخریم کنندگان هفته

شهرام همایون، مدیر شبکه سلطنت‌طلب: تخریم کنندگان انتخابات تعدادشان اندک است.

سردار حاجی‌زاده: رژیم صهیونیستی بعد از حمله به التماس افتاد

ترامپ: از ارزش‌های خود دفاع می‌کنیم و دوباره عظمت را به آمریکا بازمی‌گردانیم.

دیگه ارزشی به آمریکا می‌مونه؟ نه والا!

مخالفت دولت عربستان با رای دادن حجاج ایرانی

این کارا یعنی چی؟ دموکراسی فقط برخورد با خاشاچی

سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت که جو مسعود بیاید، صف قند آید باز

خواب نوشین بامداد رحیل با جلیلی دگر شود تعطیل

دوش می‌گفت که فردا بدم کام دلت گفتم ای دوست! بیا در عوضش رأی بده!

اما دقیق‌ترین پاسخ به سوال هفته گذشته درباره اینکه اگر مشارکت پایین باشد چه اتفاقی می‌افتد؟ این بود که مردم ایران الکی کلی شهید برای استقلال و آزادی‌شان نداده‌اند تا دوباره استبداد بر آنها حاکم شود و همیشه سعی می‌کنند از حق انتخاب خودشان استفاده کنند تا کشورشان پیشرفت کند؛ پس هیچ‌وقت این اتفاق نمی‌افتد.

بازی برنامه‌های راه‌راه

انتخابات به دور دوم کشید و حالا با دو نامزد روبه‌رو هستیم. با توجه به اظهارات دو نامزد، اگر بخواهیم برنامه آنها را برای مدیریت کشور بیان کنیم، باید این‌ونه بنویسیم:

سیاست داخلی

- نامزد اول: لزوم حضور سایه به سایه همه مردم و نه تنها چند جناح و گروه سیاسی در راستای تصحیح، پیشنهاد و بهبود عملکرد حاکمان.

- نامزد دوم: لزوم اجماع با مردم از سوی حاکمان و یکی شدن سرفه حاکمان با مردم همراه با چاشنی مطالبان خواندن رقیب.

سیاست خارجی

- نامزد اول: احقاق حق ملت ایران در چارچوب عزت ملی و در راستای پیشبرد اهداف بدون وادادگی به دشمن و ارسال پیام ناتوانی.

- نامزد دوم: حرکت طبق آموزه‌های رهبری با مصلحت و عزت و حکمت همراه با تحریف

مجری سوم گفت: نه خدمت شاهنشاه عرض کنید منظور ما توانایی‌های خاص ایشان است.

خواجه رفت و با یک جلاد برگشت و گفت: شاهنشاه گفتند: اعدامش نکنید. بیاوریدش اول پوستش را مثل پوست بادمجان بکنیم بعد برید سر خوب بپخ‌پخش کنید.

مجری چهارم جای مجری سوم را گرفت و گفت: بنده کمترین در حد سوال از شاهنشاه نیستیم. جناب مظفرالدین اگر فرمایشی دارند بفرمایند.

خادم مظفرالدین شاه: شهنشاه به خاطر رسیدگی به امور رعیت، کسالت دارند و اینک در اتاق کارشان در کاخ خواب هستند.

مجری چهارم: اما گفته بودند در سفر به برزخ فرنگی هستند و ظل‌السلطان را برای مناظرات می‌فرستند...

ظل‌السلطان یقه مجری چهارم را گرفته و بدو توجیه به غلط کرد و خورد و خوراکش، او را به بیرون می‌برد!

مجری پنجم روی صندلی می‌نشاند و می‌گوید: کوچولو تو اینجا چیکار میکنی؟ بعد در حالی که لب کودک را می‌کشد می‌گوید: اینجا مناظره برای انتخاب شاه!

احمدشاه می‌گوید: مردک من شاهنشاهم... احمد شاه قاجار... یکی این پدرسوخته را ببرد سر به نیست کند...

مجری از ترس خودش را خیس کرد اما کسی نیامد! مجری به دو طرف نگاه کرد و وقتی مطمئن شد کسی برای حرف احمدشاه تره هم خورد نمی‌کند با لگد او را به سمت در هدایت می‌کند. اما جلوی در با توپخانه برزخی روسیه مواجه می‌شود که به دستور محمدعلی شاه آمده‌اند مجلس مناظرات را به توپ ببندند.

متأسفانه از ادامه مراسم مناظرات خبری در دسترس نیست. آواربرداری هنوز ادامه دارد و احتمالا تا انتخابات بعد پادشاه برزخ ایرانیان به بعد از مرگ ربیع پهلوی موکول شود.

رای آورد و پرزیدنت شد. به همین سادگی به همین خوشمزگی پودر کیک... ببخشید از مرحله پرت شدید.

یک نقاش چیره‌دست را بر وزارتتی فخمیم گماشت و بر وزارت ممالک خارجه هم خنده‌رویی زانو زن را!

و باقی وزرا هم برخی با پیامک، برخی با علامت دود و برخی با توییت محضر شیخنا معرفی شدند.

وی به محض رسیدن پایش به پاستور، معده‌اش را با آب برتقال طبیعی سازگار کرد و نیز تخته‌خواب مارک‌دارش همراه او در سفرهای کوتاه استانی‌اش بود.

آنقدر مشغول خدمت بود که از باقی اعمال باز می‌ماند و صبح آدینه می‌فهمید و ملت هم در صفوف به هم پیوسته مرغ و شکر در حال عبادت! بعد از هجرت شیخنا، چاله‌چوله‌هایش را سردی کبیر پر نمود اما دوباره فیل نوچه یاد هندوستان کرد و بوی کباب به دماغ همایونی‌اش خورده، می‌خواهد تشریفش را بیاورد و دوباره ساده‌زیستی را به شمارگان زیادی از مردم می‌باموزد!

به همین نیت دوباره زیر دوش حمام خطاب به ملت بی‌شیشه بیله آواز در داد:

پشت‌درای‌بسته عاشق‌دل‌شکسته داره هوای موندن با تو عزیز خسته

بخت خواب آلود ما بیدار خواهد شد مگر تا گرفته خفت ما را دست برجام شما

پس از آواربرداری و برپایی روحانی چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی

گرچه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید گر شوی هم‌رای ما با می‌رود بالا سعید

دوش می‌گفت که فردا بدم کام دلت گفتم ای دوست! بیا در عوضش رأی بده!

سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت که جو مسعود بیاید، صف قند آید باز

خواب نوشین بامداد رحیل با جلیلی دگر شود تعطیل

دوش می‌گفت که فردا بدم کام دلت گفتم ای دوست! بیا در عوضش رأی بده!

سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت که جو مسعود بیاید، صف قند آید باز

خواب نوشین بامداد رحیل با جلیلی دگر شود تعطیل

دوش می‌گفت که فردا بدم کام دلت گفتم ای دوست! بیا در عوضش رأی بده!

سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت که جو مسعود بیاید، صف قند آید باز

خواب نوشین بامداد رحیل با جلیلی دگر شود تعطیل

دوش می‌گفت که فردا بدم کام دلت گفتم ای دوست! بیا در عوضش رأی بده!

سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت که جو مسعود بیاید، صف قند آید باز

خواب نوشین بامداد رحیل با جلیلی دگر شود تعطیل

دوش می‌گفت که فردا بدم کام دلت گفتم ای دوست! بیا در عوضش رأی بده!

سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت که جو مسعود بیاید، صف قند آید باز

خواب نوشین بامداد رحیل با جلیلی دگر شود تعطیل

دوش می‌گفت که فردا بدم کام دلت گفتم ای دوست! بیا در عوضش رأی بده!

سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت که جو مسعود بیاید، صف قند آید باز



پنجشنبه ۱۴ تیر ۱۴۰۲
وطن امروز | شماره ۴۰۷۷

طنز

آموزه‌های دینی همچون عاشورا و گرفتن درس مذاکره از آن.

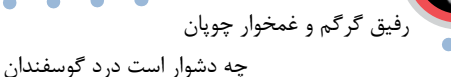
اقتصاد

- نامزد اول: استفاده از همه ظرفیت‌های موجود در کشور با برنامه دقیق و قابل سنجش در جهت بهبود اوضاع اقتصادی همه اقشار مردم.

- نامزد دوم: رجوع به کارشناسان برای نوشتن برنامه و تخریب توأمان برنامه رقیب برای بهبود اوضاع اقتصادی و رفع و رجوع تناقض کارشناسان با «کار کارشناسی مجدد».

حالا شما بگویید: اولین کار هر نامزد پس از پیروزی چیست؟

شما می‌توانید پاسخ خود را از طریق کیوآر کد زیر یا لینک برای ما ارسال کنید. دقیق‌ترین پاسخ در شماره آتی ویژه‌نامه منتشر خواهد شد.



دورویی

رفیق گرگم و غمخوار چوپان چه دشوار است درد گوسفندان لب خشک زمین دارد تَرَک‌ها

نَمی زن بر لبش با دست باران علف ناچیز و زرد و خشک و تلخ است

تر و تازه کن آن را و فراوان بده بر گوسفندان شیر و برّه

به چوپانان از این شربت بنوشان ببر در کوه و در صحرا، رها کن

از این بز بزه‌ها در حد امکان اگر برداشت زخمی بره در کوه

به دست خود بده امداد بر آن گمانم زوزه یک گرگ یعنی

هوس کردم دو لقمه بره بریان عزیز ماست این گرگ گرسنه

بتر این بره را سمتش شتابان خداوندا سگ گله بریزد

به مشتت از دهان گرگ دندان هوای گرگ‌ومیش صبح ابريست

بتر این ابر را با دست توفان زدن گاهی به نعل و گاه بر میخ

مرا کرده گه افتان، گاه خیزان خداوندا دورویی کار سختی‌ست

دو روی سکه کی گردید پنهان؟



مسئولان ایران یادتان هست

کره نداشتیم بخوریم؟!

خودمان هم یادمان نمی‌آید اما این را یادمان می‌آید که برق نداشتیم استفاده کنیم و در اوج گرمای تابستان باید به جدول قطعی برق منتشر شده توسط دولت نگاه می‌کردیم تا ببینیم کی برق‌مان قطع می‌شود و دولت قرار است همانند یک پدر مهربان، کولرمان را خاموش کند.

البته خود جدول قطعی برق هم رونالدینیویی عمل می‌کرد تا کسی نتواند برق را ذخیره کند و به اقتصاد مملکت آسیب بزند.

حال شاید برای‌تان سوال پیش بیاید این سه سال که ما سر کار نبودیم چطور این مشکل حل شده است؟ چرا ما بلد نبودیم این مشکلات را حل کنیم؟

شاید دلیلش این است که شما همیشه می‌گویید ما هیچ چیز بلد نیستیم و برای حل همه مشکلات باید برویم دست به دامان خوشگل‌های موبور شویم تا شاید به ما مرحمتی کنند.

در واقع اگر شما هم به جای اینکه مردم را معطل خنده و امضای اجنبی‌ها می‌کردید، با استفاده از تاسیس نیروگاه‌های جدید و افزایش بهره‌برداری نیروگاه‌های قدیمی حدود ۴۶ تراوات ساعت به تولید برق کشور اضافه می‌کردید نه تنها مشکل قطعی برق حل می‌شد که به جای الان، سه سال پیش در رتبه هفتم تولید برق جهان قرار می‌گرفتیم. ولی خب فرق می‌کند چه کسی رئیس‌جمهور باشد! این را هم ما می‌دانیم و هم شما.

ضمیمه طنز راه راه کاری از

دبیر سرویس نثر: رامین زارعی
دبیر سرویس شعر: فرشته پناهی
دبیر سرویس کارتون: سید محمدجواد طاهری
صفحه‌آرا: فاطمه احمدی

راه‌های ارتباطی
https://zil.link/bashgahtanz

مجموعه رسانه‌های باشگاه طنز و کاریکاتور انقلاب اسلامی

دبیر سرویس نثر: رامین زارعی
دبیر سرویس شعر: فرشته پناهی
دبیر سرویس کارتون: سید محمدجواد طاهری
صفحه‌آرا: فاطمه احمدی

دبیر سرویس نثر: رامین زارعی
دبیر سرویس شعر: فرشته پناهی
دبیر سرویس کارتون: سید محمدجواد طاهری
صفحه‌آرا: فاطمه احمدی

دبیر سرویس نثر: رامین زارعی
دبیر سرویس شعر: فرشته پناهی
دبیر سرویس کارتون: سید محمدجواد طاهری
صفحه‌آرا: فاطمه احمدی

دبیر سرویس نثر: رامین زارعی
دبیر سرویس شعر: فرشته پناهی
دبیر سرویس کارتون: سید محمدجواد طاهری
صفحه‌آرا: فاطمه احمدی

دبیر سرویس نثر: رامین زارعی
دبیر سرویس شعر: فرشته پناهی
دبیر سرویس کارتون: سید محمدجواد طاهری
صفحه‌آرا: فاطمه احمدی

دبیر سرویس نثر: رامین زارعی
دبیر سرویس شعر: فرشته پناهی
دبیر سرویس کارتون: سید محمدجواد طاهری
صفحه‌آرا: فاطمه احمدی

دبیر سرویس نثر: رامین زارعی
دبیر سرویس شعر: فرشته پناهی
دبیر سرویس کارتون: سید محمدجواد طاهری
صفحه‌آرا: فاطمه احمدی

دبیر سرویس نثر: رامین زارعی
دبیر سرویس شعر: فرشته پناهی
دبیر سرویس کارتون: سید محمدجواد طاهری
صفحه‌آرا: فاطمه احمدی

دبیر سرویس نثر: رامین زارعی
دبیر سرویس شعر: فرشته پناهی
دبیر سرویس کارتون: سید محمدجواد طاهری
صفحه‌آرا: فاطمه احمدی

دبیر سرویس نثر: رامین زارعی
دبیر سرویس شعر: فرشته پناهی
دبیر سرویس کارتون: سید محمدجواد طاهری
صفحه‌آرا: فاطمه احمدی

دبیر سرویس نثر: رامین زارعی
دبیر سرویس شعر: فرشته پناهی
دبیر سرویس کارتون: سید محمدجواد طاهری
صفحه‌آرا: فاطمه احمدی